



2nd National Conference on
Farsi Language Teaching and Linguistics

شیراز، سومین حرم اهل بیت (ع)
تاریخ برگزاری همایش: ۲۵ و ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۲

نقش انسجام در تفسیر متن و تأثیر آن بر ترجمه

پونه حیدری	محمد رضا پهلوان نژاد	مژگان صبری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز - گروه زبان های خارجی و زبان شناسی	دانشگاه فردوسی مشهد - گروه زبان شناسی	دانشگاه فردوسی مشهد - گروه زبان شناسی
Pooneh.Heydari@yahoo.com	Rezapahlavan5@yahoo. com	Sabri_2ir@yahoo.com

چکیده

نظر به چند بعدی بودن مسئله تفسیر، در این مقاله از نظریات و دیدگاههای مرتبط با موضوع تفسیر بهره گرفته شده و جنبه های مختلف آن بررسی گردیده است. رویکرد پژوهش مورد نظر به مسأله نقش انسجام در تفسیر متن و تأثیر آن بر ترجمه، رویکردی تحلیلی-توصیفی است که در حوزه های زبان شناسی، تحلیل گفتمان، مطالعات ترجمه و تا حدودی روان-زبان شناختی انجام پذیرفته است و شیوه پژوهش نیز کیفی است.

نتیجه بدست آمده از پژوهش نشان می دهد که ترجمه حاصل فرایندهای روان-زبان شناختی است که مترجم یک اثر را در قالب زبانی خاص دریافت و برپایه انسجام متن آن را تفسیر و سپس به زبانی دیگر ارائه می دهد. در این فرایند فعالیتهای ذهنی اتفاق افتاده در ذهن مترجم موجب می گردد که وی به فهمی خاص از موضوع اثر برسد و آن را در ذهن بسازد و در زبان شکل دهد. بنابراین می توان ترجمه را شکلی از ارتباط زبانی دانست که تابع فرایندهای ذهنی-زبانی است و براساس آن، متنی در یک زبان درک و پس از تفسیر در ذهن، متنی به زبانی دیگر دوباره خلق می گردد.

کلیدواژه ها: ذهن، زبان، تفسیر، انسجام، فرایند ترجمه

۱. مقدمه

اندیشه عدم قطعیت معنی یکی از مسائلی است که همواره با ترجمه همراه بوده است. مترجم قبل از هر چیز به بررسی معانی در متن می پردازد و می کوشد که متن و روشهای ممکن تفسیر متن را تحلیل نماید. در تحلیل فوق بررسی دنیای متن، تکرر واقعیتها و چندگانگی معنایی، مترجم را به دامنه تحلیل گفتمان^۱ می کشاند. در این راستا مترجم به جستجو و بررسی ارتباط منطقی و انسجام

^۱ Discourse analysis

معنایی^۲ در متن و تعبیر و تفسیر^۳ آن می پردازد. با توجه به وجود عوامل مختلف در تفسیر و فهم متن، به دامنه ای فراگیرتر از مباحث زبانی، یعنی بررسی عوامل فرازبانی کشانده می شویم. روان_ زبان شناختی از جمله دانشهایی است که بر ابعاد ذهنی کاربرد زبان، همچون فرایندها و بازنمودهای ذهنی گوناگون که معمولاً در حافظه کاربران زبان جای دارند تأکید دارد. در مقاله حاضر، ماهیت تعبیر و تفسیر، عوامل مؤثر در فهم متن و همچنین تأثیری که فرایند فوق بر ذهن مترجم دارد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از اینرو سعی بر آن است که به عواملی که در فرایند تعبیر و تفسیر و در نتیجه رسیدن به فهمی خاص مؤثر هستند از دیدگاه تحلیل گفتمان و همچنین روان_ زبان شناختی پرداخته شود.

۲. ملاحظات نظری

در بخش حاضر مرور مختصری بر مبانی و چهارچوبهای نظری که در واقع زیربنای فکری موضوع مقاله واقع گردیده پرداخته خواهد شد. در بررسی رویکردهای مختلف، متوجه می شویم که انسجام در فرایند تعبیر و تفسیر، اصلی ترین نقش را ایفا می نماید و موجب درک و فهم مفسر از دریافتهای اعم از زبانی و غیرزبانی می گردد.

۱-۲. نظریه های نوین ترجمه

در سالهای اخیر، تغییرات چندی در نظریه های ترجمه صورت گرفته است. تا قبل از رومن یاکوبسن، موضوع تمایز نظری میان ترجمه صوری (ترجمه ای که انسجام صوری با اصل را رعایت می کند) و ترجمه ی آزاد (ترجمه ای که برای بازسازی منظور متن اصلی به لحاظ صوری نوآوری می کند) بحث محافل تحلیلگران ترجمه بود.

به نقل از گنتزler (گنتزler، ۱۳۸۰، ص ۸)، رومن یاکوبسن حوزه ی ترجمه را به سه بخش تقسیم کرده است: ترجمه درون زبانی، که نشان دادن نشانه های یک زبان به جای نشانه های دیگری از همان زبان است؛ ترجمه بین زبانی، که عبارت است از تعبیر نشانه های یک زبان با نشانه های دیگری

^۲ Semantic coherence

^۳ Interpretation

(ترجمه به معنای خاص)؛ و ترجمه بین نشانه ای یا نشان گشت که در آن نشانه های یک زبان به نشانه های نظامی غیرزبانی منتقل می شود، برای مثال از زبان به نقاشی یا موسیقی). هر یک از این بخشها یکدیگر را تقویت می کنند و چنانچه این تعریف را بپذیریم، خیلی راحت می توان دید که چگونه نظریه ترجمه به سرعت شخص را در شبکه بین نشانه ای زبان و فرهنگ فرو می برد. شبکه ای سراسری که در تمام رشته ها و گفتمان ها دخیل است.

در مقاله حاضر بیشتر با تعریف دوم یا کوبسن از ترجمه سر و کار خواهیم داشت که همان ترجمه بین زبانی است. البته سعی بر آن داریم که نشان دهیم براساس ارتباط بین تعبیر و تفسیر متن و ترجمه، جداسازی تعاریف فوق امکان پذیر نیست.

از رویکردهای پرطرف دار ترجمه که در اواسط دهه شصت پدید آمدند می توان کارگاه ترجمه امریکایی، علم ترجمه، مطالعات ترجمه اولیه، نظریه ی نظام چندگانه و مطالعات ترجمه و ساخت شکنی را نام برد.

به علت اینکه موضوع مقاله حاضر، پیرامون ساختار ترجمه نیست فقط به ذکر نام رویکردهای فوق بسنده می کنیم.

با اینکه این نظریه ها رویکردهای متفاوتی دارند، چهارچوبی مفهومی، همه آنها را یک پارچه می کند. تمام نظریه های ترجمه تاکنون به طور قاطع متن اصلی را از متن ترجمه متمایز کرده اند، تمایزی که تعیین کننده ادعاهای بعدی در باره ماهیت ترجمه است (گنتزler، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵).

با ایجاد نگرشهای نوین نسبت به زبان و محوریت قرار دادن زبان انسانی در پژوهشهای زبان شناختی توسط دستوریان زایشی، رویکردهای ترجمه نیز تغییر یافت.

در چنین شرایطی است که می توان از زبان به مثابه نوعی عامل جفت سازی علائم با نمودهای معنایی سخن گفت و به مطالعه ی قواعدی پرداخت که تحقق این جفت سازی را موجب می شوند (چامسکی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۹).

براساس دیدگاه‌های جدید پیرامون ترجمه، فرایند عقلانی استخراج معنا و تنظیم و ارائه مجدد آن به زبان دیگر، در همه زبانها مشابه است، چرا که فرایند مورد بحث تفاوتی با عملکرد خود زبان ندارد (دلیل، ۱۳۸۱، ص ۱۰).

با این اوصاف، در نظریه‌های نوین ترجمه، به چهار سطح توجه می‌گردد: (۱) درک و فهم قالب زبان، (۲) اجرای تحلیل گفتمان به منظور درک و فهم معنا و مفهوم و به تبع آن انتقال درست پیام، (۳) تعبیر و تفسیر سبک نوشتاری متن مبدأ و (۴) حفظ و نگهداری بنیاد سازمان مندی متن مبدأ. از این دیدگاه، درستی نتیجه عمل ترجمه منوط به این همانندی و تطابق محتوا و مفاهیم در دو زبان خواهد بود و نه شباهت صوری و قالب دو زبان.

در یک فرایند خلاق، امکان انتقال علایم بدون تجزیه و تحلیل اولیه اطلاعاتی که حاوی آنها هستند و همچنین استفاده از اطلاعات تکمیلی مورد نیاز برای تفسیر درست آنها امکان پذیر نیست. چنین دیدگاهی به مبحث تحلیل گفتمان منجر می‌گردد و نظریه‌ی فوق‌افق نوینی در مورد برخی از جنبه‌های ترجمه، فراروی می‌گشاید.

۲-۲. تحلیل گفتمان

به نقل از ون دایک (ون دایک، ۱۳۸۲، ص ۲۳)، اصطلاح گفتمان اولین بار در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل گفتمان در سال ۱۹۵۲ توسط زلیگ هریس^۴ به کار رفت. هریس در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه به سازه‌های بزرگ‌تر از جمله دارد. اگر بخواهیم توصیفی ساختاری از گفتمان ارائه دهیم، باید آن را زنجیره‌ای از جمله‌هایی بدانیم که با نظم و ترتیب خاصی به دنبال هم می‌آیند. بعضی از این زنجیره‌ها، گفتمان‌هایی منسجم، قابل قبول و معنادار می‌سازند، اما برخی دیگر چنین نمی‌کنند. به عبارت دیگر، یک توصیف ساختاری باید روابط و شرایط گوناگونی که گفتمانی بودن زنجیره‌های جملات را موجب می‌شوند را توضیح دهد.

⁴ Zellig Harris

با استناد به نظریات فوق، تحلیل گفتمان، عبارت است از انتقال مفهوم ساختار از سطح جمله یعنی روابط گرامری ای چون فاعل، فعل و مفعول، به سطح بزرگ تر از جمله. از این رو، تحلیل گفتمان به مطالعه ی چگونگی ساخت و نظام عناصر زبانی فراتر از جمله اعم از متون گفتاری یا نوشتاری می پردازد و چگونگی تبلور نقش و معنای زبان را در نحوه ی ساختمان متن بررسی می کند و متن را در کاربرد ارتباطی آن مورد مطالعه قرار می دهد.

گفتمان کاوان بر آن اند که مؤلفه های اساسی دیگری نظیر این که چه کسی، چگونه، چرا و چه وقت به کاربرد زبان روی می آورد را به مفهوم گفتمان اضافه نمایند. یکی از ویژگیهای گفتمان که واجد بعضی از این وجوه کارکردی است، رخداد ارتباطی است. این مطلب به آن معناست که مردم زبان را برای برقرار کردن ارتباط میان اندیشه ها و باورها یا بیان احساسات به کار می گیرند و این عمل را به مثابه بخشی از رخدادهای پیچیده تر اجتماعی و در موقعیت های مشخصی همچون ملاقات با دوستان، مکالمه ی تلفنی، تدریس در کلاس درس، مصاحبه برای پیدا کردن کار، ملاقات با پزشک و یا هنگامی که به نوشتن یا خواندن گزارشی خبری مشغولند انجام می دهند. این مثالها همچنین گویای آن است که هر عمل دیگری هم در این رویدادهای ارتباطی گاه پیچیده اتفاق افتد، مشارکین آن، کاری انجام می دهند، یعنی کاری ورای به کار بردن زبان یا برقرار کردن ارتباط میان اندیشه ها و باورها: آنان به تعامل یا کنش متقابل با یکدیگر می پردازند. برای تأکید بر بعد تعاملی گفتمان، گاه آن را شکلی از تعامل کلامی نیز دانسته اند. در همین بررسی اولیه مفهوم گفتمان ما با سه بعد اصلی روبه رو شده ایم: (۱) کاربرد زبان، (۲) برقراری ارتباط میان باورها (شناخت) و (۳) تعامل در موقعیتهای اجتماعی.

یک مفهوم معنایی که در تحلیل گفتمان اهمیت زیادی دارد، مفهوم انسجام^۵ است: چگونه معانی جمله ها، یا گزاره ها، در یک گفتمان به یک دیگر متصل می شوند؟ ما می توانیم چنین رابطه ی

⁵ Coherence

انسجامی را هم در مورد جمله‌هایی که به طور پی در پی به دنبال یک دیگر می‌آیند مورد مطالعه قرار دهیم یعنی تحلیل در سطح خرد، و هم در مورد معنای کل گفتمان یعنی تحلیل در سطح کلان. در هر دو مورد، ما در حقیقت به تشریح این مسئله می‌پردازیم که چه چیزی گفتمان را معنادار می‌کند و چگونه یک گفتمان از مجموعه‌ای دل‌خواه و نامنسجم از جمله‌ها متفاوت است؟ در سطح خرد، روابط معنایی میان گزاره‌های یک گفتمان از تعدادی اصول انسجام پیروی می‌کنند. این روابط ممکن است ماهیتی کارکردی داشته باشند. مثلاً یک گزاره می‌تواند کارکردی تخصیص‌دهنده، تعمیم‌بخش، تصویرساز یا تقابلی نسبت به گزاره‌های قبلی داشته باشد. در یک زنجیره‌ی ساده مانند جمله شماره ۱، بند دوم جمله گزاره‌ای را بیان می‌کند که به نوعی گزاره بیان شده در بند اول را تعمیم می‌دهد.

۱- جان دیر کرده، او همیشه دیر می‌کند.

در همین راستا، تجزیه و تحلیل معنایی گفتمان ممکن است به شرح چگونگی تأکید بر معنا و اطلاعات یا چگونگی قرار گرفتن یا نگرفتن آنها در کانون توجه پردازد. همچنین معناها بسته به این که محیط گفتمانی چه باشد، ممکن است در مقام ابتدای یک جمله عمل کنند، بدین معنا که مشخص نمایند جمله در باره چه کسی یا چه چیزی است. بدین ترتیب، در مثال شماره ۱، جان مبتدای دو بند از جمله ذکر شده می‌باشد. در تمام این موارد، کارکردهای گوناگون معنا بستگی به معنا یا اطلاعاتی دارد که در بخشهای پیشین گفتمان و یا زمینه آن آمده است و یا حتی بستگی به دانش کاربران زبان و برداشت آنها از معناها و زمینه دارد.

۲-۳. جمع بندی نظریه‌ها

ترجمه به آن فرایند عقلانی و زبانی اطلاق می‌شود که حاصل آن تبدیل محتوا و مفهوم پیام یک متن، از زبان مبدأ به زبان مقصد است، به گونه‌ای که انسجام بین اجزای متن برقرار و معنا و مفهوم

آن تغییر نکنند(دلیل، ۱۳۸۱، ص ۱۰). از بیان فوق می توان دریافت که ژان دلیل^۶ معتقد است ترجمه بیان مجدد متن با هدف ایجاد ارتباط کلامی است. کلام یا گفتمان^۷ نیز به اعتقاد اکثر زبان شناسان به استمرار منسجم پیام گفتاری یا نوشتاری فراتر از جمله اطلاق می شود که به تعبیری یک واحد رفتاری متشکل از مجموعه ای از گفته ها می باشد. گفتمان را می توان برحسب موضوع مطلب، موقعیت ادای مطلب، طرز برخورد و تلقی گوینده یا نویسنده و عوامل دخیل دیگر طبقه بندی نمود. زبان شناسان بر این باورند که انواع روابط متقابل زبانی بین جملات وجود دارد، ولی چگونگی دقیق نظام مندی این روابط متقابل که منجر به تشکیل واحدهای زبانی فرا جمله ای می شود، هنوز مورد توافق یکسان تمام زبان شناسان قرار نگرفته است.

3. فرایند ذهنی_ زبانی در ترجمه

از آن چه که تاکنون به اختصار بیان گردید، چنین می توان نتیجه گرفت که ترجمه فرایندی ذهنی_ زبانی است که طی این فرایند، آن چه که مترجم از اثر مبدأ دریافت می کند، در ذهن تجزیه و تحلیل می گردد، انسجام میان اجزا تشخیص داده می شود و سپس تعبیر و تفسیر و درک صورت می پذیرد. در این روند، عوامل متعدد زبانی و غیرزبانی از جمله حداقل چهار عامل مؤثر در تفسیر یعنی متن، پیش فهم یا همان ذهنیت تفسیرگر، بافت موقعیتی زمانی و مکانی، و رابطه ی متقابل بین مؤلف که همان تولیدکننده است و تفسیرگر که مترجم و دریافت کننده است، موجب فهم مطلب می گردند.

3-1. انتقال پیام در ترجمه

ترجمه از یک سو با زبان مبدأ سروکار دارد، که آغاز فعالیت ترجمه است و از طریق آن پیام و معانی و مفاهیم متن مبدأ دریافت و به عنوان معانی پیام که باید منتقل شود در ذهن مترجم قرار می گیرد. از یک سو نیز همان معانی و پیام به زبان مقصد منتهی و در نظام آن زبان قرار گرفته و طی فرایندی

⁶ Jean Delisle

⁷ Discourse

خاص، به شکل متن مقصد درمی آید. بنابراین مترجم هم دریافت‌کننده‌ی پیام و معناست، به طوری که معنا و پیام را در قالب زبان مقصد در ذهن خود طراحی می‌کند و هم سازنده‌ی متن مقصد براساس متن مبدأ است. از این دیدگاه، تفاوت مترجم و نویسنده متن اصلی در این است که نویسنده خالق پیامی است که این پیام در ذهن مترجم تعبیر و تفسیر می‌گردد و در صورت درک و فهم آن، در نظام زبان قرار گرفته و انتقال می‌یابد. در واقع در مرحله‌ی پس از فهم، مترجم خود نقش نویسنده‌ای را ایفا می‌کند که قصد انتقال پیامی را دارد.

3-2. نقش انسجام در متن

بررسی مناسبات درون متن و جستجو برای کشف عناصر سازنده یک اثر می‌تواند ناشی از نیاز مبرم بشر به ضرورت وجود نظم و استخراج رابطه‌ی بینابینی اجزاء تشکیل‌دهنده وجود و هستی باشد. به این اعتبار همواره زیبایی در تدوام وجود یک بند ناگسستنی تحت عنوان انسجام میان اجزاء تشکیل‌دهنده متن است. به عبارتی انسجام متنی به عنوان مولد اصلی انتقال مفهوم و معنی، باید القاء‌گر و صادرکننده‌ی حس ارتباط و ایجاد مفهوم در ذهن مخاطب باشد. ارتباطات درون متن به واسطه و پیرو قاعده‌ای است که از مناسبت هر واحد متن با ساختار اصلی به دست می‌آید. به نقل از فرحزاد (فرحزاد، ۲۰۰۰) طبق نظریه هلیدی و حسن، متن واحدی معنایی است و انسجام یکی از شرایط متن‌سازی. در نهایت چیزی که در زبان‌شناسی به عنوان متن در رابطه با تحلیل‌گفتمان مطرح است، دارای ویژگی انسجام یعنی مجموعه‌ای از روابط معنایی درون متنی است که به فهم متن کمک می‌کند. مهارت‌های زبانی به تنهایی برای یافتن معادل‌های بافتاری، کافی نیستند. از این رو خلاقیت مترجم، در به کارگیری شم زبانی_ذهنی خود برای پی بردن به انسجام معنایی و مفهوم متن مهم‌ترین عامل در ترجمه محسوب می‌گردد.

4. نتیجه‌گیری

انسجام پدیده ای فرهنگی است که در بطن زبان موجود نیست بلکه چیزی است که در ذهن افراد وجود دارد. این کاربران زبان هستند که از آن چه می خوانند یا می شنوند مفهومی را تعبیر می نمایند. آنها سعی می نمایند به تعبیری دست یابند تا با تجربه ای که از جهان خارج دارند مطابقت نماید. در واقع، توانایی ما در درک آن چه که می خوانیم یا می شنویم، قسمتی از توانایی ما را که در مفهوم ساختن آن چه که در جهان می بینیم و تجربه می کنیم تشکیل می دهد. در بسیاری موارد، هنگام برخورد با متنی زبانی، سعی می کنیم متن را با موقعیت و تمام جزئیاتی که در آن گنجانده شده است، متناسب سازیم و سرانجام راهی را در ذهن خود می یابیم که از طریق آن تمام عناصر جدا از هم را به صورت تعبیر واحد پیوسته ای درآوریم. با انجام چنین کاری، الزاماً جاهای خالی نکاتی که می بایستی در متن وجود داشته باشد را پر می کنیم و رابطه های معنی داری که به وسیله کلمه ها و جمله ها ارائه شده اند را بوجود می آوریم. این عمل به کوشش برای درک متون محدود نمی شود بلکه چنین به نظر می رسد که به نحوی با چگونگی تعبیر ما از تمامی گفتمان مربوط است. ما به طور دائم در محاوره هایی شرکت می کنیم که مقدار زیادی از آن چه که منظور ماست در آن چه که ما می گوئیم ظاهر می شود و به علت آن که به راحتی مقصود و منظور یک دیگر را پیش بینی می کنیم این عمل بسیار پیچیده را ساده می انگاریم.

از آنجا که متن ها توسط نویسندگان بومی با فرهنگ خاص نوشته می شوند، یکی از شرایط مخاطب و یا همان خواننده بودن، دانستن زبان و خصوصاً فرهنگ مرتبط با آن متن است. این نکته همچنان باقی می ماند که آیا ترجمه براساس ساختگرائی می تواند فرهنگ حاکم بر متن را نیز به خواننده منتقل کند؟ و آیا با در نظر گرفتن جمله بعنوان واحد ترجمه، ترسیم درستی از واقعیت های متن بدست می آید؟

چامسکی، نوام (۱۳۷۹). *زبان و ذهن*، چاپ دوم. ترجمه کوروش صفوی. تهران: انتشارات هرمس.
دلیل، ژان (۱۳۸۱). *تحلیل کلام روشی برای ترجمه: نظریه و کاربرد*. ترجمه اسماعیل فقیه. تهران:
انتشارات رهنما.

صلح جو، علی (۱۳۸۱). *گفتمان و ترجمه*، چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.

گننزر، ادوین (۱۳۸۰). *نظریه های ترجمه در عصر حاضر*. ترجمه علی صلح جو. تهران: انتشارات
هرمس.

ون دایک. تئون ای (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاری انتقادی*،
ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

Farahzad, F. (2000) *Interpretation and Manipulation: A Post_Structural
Approach to Translation*. Unpublished Thesis, Allameh Tabatabai
University, Tehran.

Halliday, M.A.K. and Hassan, R. (1976) *Cohesion in English*. London and New
York: Longman.